



موشک‌های چاشنی خورده با بارکد اقتصادی

اقتصادی

ممسن فاطمی

«کوکا کولا و مک دونالد یا کروزر؟» این پرسشی بود که در ذهن طراحان سیاست‌مدار پنتاگون، برای فتح دروازه‌های ویتنام پس از جنگ، سو سو می‌زد، آن هم با گذشت ۳۰ سال از جنگ. آن‌ها دریافته بودند که با شلیک میلیون‌ها گلوله توپ و انفجار صدها هزار تن مواد منفجره نخواهند توانست اراده‌های مردم کشور فقیری چون ویتنام را تغییر دهند، جز آن که پیش از حملات نظامی خود، فکرها، اندیشه‌ها، رسوم، آداب و عقاید کوتوله‌های چشم بادامی ویتنامی را دگر دس کنند. کروزرهای صد هزار لاری می‌توانستند بادقت عملی چند سانتیمتری، مهم‌ترین اهداف نظامی و اقتصادی ویتنام را نشانه بروند. اما راهکاری عملی‌تر و بلندمدت‌تر ارایه شده بود: «کوکا کولا و مک دونالد» شاید در تاریخ سیاسی

۱۳

آمریکا هیچ گاه سردمداران کاخ سفید تا این اندازه خوشحال نشده بودند که باره اندازی نخستین فروشگاه‌های زنجیره‌ای «کی مارت» و «مک دونالد» و راه‌یابی نوشابه‌های گوارای «کوکا کولا» به ویتنام خرسند شدند. خوشحالی و سروری که پیش درآمد و مقدمه بازگشایی سفارت آمریکا در ویتنام پس از جنگ شد. پیش درآمدی فرهنگی و فوق‌العاده موثر برای عادی سازی روابط خصمانه پیشین و محو خاطره‌های تلخ و سیاه از ذهن ویتنامی‌های زخم دیده از جنگ باشیرینی و لذت کوکا و مک دونالد! این داستانی بود که آمریکایی‌ها با موفقیت و سربلندی، ستاره آن شدند و از آن پس در همه نقاط دنیا برای برافراشتن بیرق پرستاره خود، قصه‌ها به شکلی دیگر باز آفرینی کردند. پیمان‌های تجاری، توصیه‌های بانک جهانی، وام‌های بین المللی، مناطق آزاد تجاری و ده‌ها شیوه دیگر ترفندهایی بودند که باز آفرینی داستان ویتنام را در نقاط دیگر برای نقلاب و قصه گویان گاوچران

♦♦ **فروشگاه‌های مدرن، پیتزا فروشی، ساندویچ فروشی‌های شبیه مک دونالد، پاساژهای مدرن و زیبا و شبیه به پاساژهای نیویورک و لندن، کافه تریاها و کافی‌شاپ‌ها، کلپ‌های بولینگ و بیلبارد و باشگاه‌های بدن سازی آمده بودند تا جایگزین قهوه‌خانه و مسجد و بازار و زورخانه شوند و تفریح و عبادت و اقتصاد و ورزش را از گرد هم دور سازند**

♦♦ **مناطق آزاد تجاری می‌توانست بهترین پادگان‌های اقتصادی و ستادهای عملیاتی برای اعمال فشار بر بازار و بانک ایران باشند؛ از همین رو شرط ارایه وام‌های جهانی از سوی بانک جهانی، راه اندازی این مناطق و یافتن صلاحیت و شاخص توسعه اعلام شده بود**

آمریکا میسر می‌ساخت.

این همان نسخه‌ای بود که در ایران پس از جنگ ۸ ساله نیز باید پیچیده می‌شد تا خاطره شلاق‌ها و ظلم و ستم یانکی‌های چکمه پوش، از خاطره مادران و پدران و فرزندان و هم‌زمان شهید محو شود. «کوکا کولا و پیتزا» یک بار دیگر نقش سیاسی خود را برای مهیاساختن ذهن‌ها ایفا می‌کرد. نوشابه‌هایی که در دهه ۵۰ شمسی و دوران حکومت طاغوتی پهلوی به اتفاق نظر عالمان دین حرام اعلام شده بود، در نخستین سال‌های پس از رحلت امام، سهامداران آن‌ها با حمایت مستقیم دولت، کارخانه‌های خود را با واسطه‌گری کشورهای اروپایی در ایران مستقر ساختند. فروشگاه‌های مدرن، پیتزا فروشی، ساندویچ فروشی‌های شبیه مک دونالد، پاساژهای مدرن و زیبا و شبیه به پاساژهای نیویورک و لندن، کافه تریاها و کافی‌شاپ‌ها، کلپ‌های بولینگ و بیلبارد و باشگاه‌های بدن سازی آمده بودند تا جایگزین قهوه‌خانه و مسجد و بازار و زورخانه شوند و تفریح و عبادت و اقتصاد و ورزش را از گرد هم دور سازند تا مفاهیم ذاتی مادی غرب را بسیز آسان‌تر از شیوه‌های نظامی در قالب جزئی‌ترین کالاها و اشیاء، به دنیای اسلام منتقل نمایند. این طلایه داران و پیشتازان به ظاهر اقتصادی مقدمه راه اندازی مناطق آزاد تجاری بودند تا به عنوان فرهنگی‌ترین عناصر اقتصاد عمل نمایند. جویدیت بیگات استاد دانشگاه ایندیانا پسنلوانیا در بهار ۱۳۷۴ با اشاره به این تغییرات جدی و راه اندازی مناطق آزاد تجاری در مقاله‌ای می‌نویسد:

«دولت پس از سال ۶۸، تمام توصیه‌های ارایه شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را پذیرفت. برنامه‌ای که شدیداً با اقتصاد دولتی دهه اول انقلاب در تضاد بود. هاشمی رفسنجانی مجبور بود بیشتر به تکنوکرات‌ها، تکیه کند تا ایدئولوگ‌ها این تکنوکرات‌ها تغییرات گسترده‌ای را ایجاد کردند. دولت رفسنجانی به دنبال تلاش برای آزاد سازی اقتصاد در قالب یک تغییر جدی نسبت به سیاست‌های اقتصادی دوره آیت ... خمینی اقدام به ایجاد چند منطقه آزاد تجاری به منظور جلب سرمایه گذاران خصوصی و خارجی نموده^۱

این تغییر جدی و رویکرد به توصیه‌ها و نسخه‌های بانک جهانی و غرب تا آن جا





کارشناسان غرب را به حیرت و شگفتی آورد که از آن به عنوان یک انقلاب و رفرم غیر منتظره یاد کردند و توجه بسیاری از ایرانیان ضد انقلاب و معاند با اسلام را به خود جلب نمود. ورود نوشابه آمریکایی و مدل اقتصادی غرب توانسته بود امید غرب و آمریکا را به پیروزی سیاسی در ایران در آینده نزدیک دوچندان کند. نشریه نیوزویک در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ یعنی درست در سال ۱۳۷۰ مقاله‌ای از «راد نورلند» با عنوان «خط خطا در ایران در تجارت به روی غرب باز است» را منتشر نمود که در آن چنین آورده است:

«سال‌ها بود که ایرانیان در شیشه‌های قدیمی، کوکا کولا ساخت وطن را مصرف می‌کردند. اما سال پیش تاجر بزرگی از مشهد با شرکت آلمانی کوکا کولا قراردادی امضا کرد و دولت نیز در این زمینه از همکاری دریغ نوزید. در میان سرمایه‌گذاران مشهد، یک نهاد مذهبی نیز دیده می‌شود. یکی از کارفرمایان و دانشمندان برجسته علوم سیاسی در ایران می‌گوید: «جامعه تجاری در اینجا بسیار نیرومند است و حتی جامعه مذهبی نیز این جا فکر تجاری دارد. آن‌ها با یکدیگر تفاهم دارند. به همین دلیل است که نظر ضد آمریکایی مانع تجارت با آمریکا نشده است... تجارت آزاد تشویق می‌شود... رضا پالیزی یکی از بسیار ایرانیانی است که به آمریکا رفته بود و اکنون پس از پیشنهاد دولت بازگشته و خوشحال است. او می‌گوید: «آزادی در اینجا به مراتب بیش از آن است که در بیرون تبلیغ می‌شود... مشروب الکلی ممنوع است و خانم‌ها باید حجاب را رعایت کنند. خوب چیز مهمی نیست. از این مهم‌تر برای مردها چندان چیزی تغییر نکرده است. به ما که خوش گذشت... در اینجا سر ده سال می‌توان ده برابر جاهای دیگر پول درآورد»

این نشانگر آن بود که غربیان راه نفوذ را برای استیلای فرهنگی و سیاسی و باز کردن دروازه‌های فتح و پیروزی خود یافته بودند. مناطق آزاد تجاری می‌توانست بهترین پادگان‌های اقتصادی و ستادهای عملیاتی برای اعمال فشار بر بازار و بانک ایران باشند؛ از همین رو شرط رایبه وام‌های جهانی از سوی بانک جهانی، راه اندازی این مناطق و یافتن صلاحیت و شاخص توسعه اعلام شده بود. متولیان و کارگزاران امر سازندگی و توسعه تا آن جا در برابر این توصیه‌ها عجلولانه برخورد می‌کردند که حتی کمترین مخالفت‌ها و موانع را که در توده‌های متدین و ارزشمندان جامعه می‌دیدند، بر نمی‌تافتند

و با اهانت و تمسخر با آن برخورد می‌نمودند تا جزیره آرام اقتصادی غرب را امنیتی مرداب گونه فرا گیرد. مرتضی الویری که از سوی دولت توسعه گرای هاشمی رفسنجانی، به عنوان نخستین مسؤول مناطق آزاد تجاری برگزیده شده بود طی مصاحبه‌ای با خبرنگار معروف CNN، یعنی کریستین امان پور، مناطق آزاد تجاری را نقطه آغازین حرکت ایران در مسیر توسعه و پیشرفت برشمرد و در پاسخ به پرسش خبرنگار که «نسل جنگ و جهاد و انقلاب را مانع این برنامه‌ها» قلمداد می‌کرد - در حالی که تصاویری از شهدا و رزمندگان را از شبکه CNN، منعکس می‌نمودند - بالبخندی تلخ چنین گفت: «این نسل فسیل شده هستند» شهدا و مجاهدان اسلام باید فسیل و بیهوده قلمداد می‌شدند. تا بانک جهانی وام‌های خود را در جیب دولت توسعه گرا قرار می‌داد. و این آغازی بود بر

♦♦ تجارت خانه‌ها و دار التجاره‌های قدیم، در قالبی دیگر همان مناطق آزاد تجاری امروز بودند که مقدمه اجیر نمودن و خرید نیروهای مؤثر در دربارها و اطرافیان سلاطین و حاکمان بود که تاجران خارجی آن با نفوذ در بدنه حکومت‌ها هر گونه قرارداد اقتصادی را تحمیل می‌کردند

♦♦ عنصر اقتصاد همواره در همه سرزمین‌ها پیش در آمد حمله‌ها و حمله‌های فرهنگی و به تبع آن ضربه‌های مهلک سیاسی و نظامی بوده است که غفلت از آن ملت‌ها و توده‌ها را به همان سرانجامی دچار می‌سازد

فراموشی ارزش‌ها و آرمان‌ها با حربه اقتصاد، حربه‌ای به مراتب کوبنده‌تر و ویران‌کننده‌تر از موشک‌های کروز و اسکاد.

این شیوه به ظاهر نوین، شیوه‌ای بود که در تاریخ ۷۰۰ سال گذشته، دنیای غرب از اندلس تا عثمانی و از عثمانی تا خاورمیانه آن را بارها آزموده بود. شاید اگر محققان دردمند تورقی کوتاه در تاریخ نمایند، خواهند یافت که پیش از حمله نظامی ارتش بریتانیای کبیره هندوستان، کمپانی هند شرقی در آن سرزمین پادگان‌ها و ستادهای عملیاتی خود را برای سیطره بر سرزمین الماس و معبد و گاو ایجاد نموده بود. این قطعه تاریخ عمق این فاجعه را آشکارتر می‌سازد:

«در تابستان ۱۱۹۷ هجری در دوران آقامحمد خان قاجار، چند کشتی روس به ساحل استرآباد لنگر انداختند. ایوانویچ رئیس دسته، خواهش بنیاد تجارتخانه در ایران کرد، چنان که رسم استعمارگران و سیاست‌اروپائی‌انست که از تجارتخانه آغاز می‌کنند و سرانجام خانه و کشور را می‌برند، چنان که انگلیسی‌ها در هندوستان اول به نام تجارت در آن جا رخنه کردند، بعداً آن کشور پهناور را فرو خورند. بعداً آقامحمد خان معلوم کرد که تجارتخانه، قلعه‌ای محکم شده است و از جمله کلای سوادگری، ۱۸ عراده توپ در آن آورده‌اند. چون به تماشای تجارتخانه آنان رفته بود اوضاع را دگرگونه یافت. ایوانویچ و پیروان او را مهمان کرد و شرط مراجعت ایشان را بردن توپ‌ها قرار داد؛ ناچار چنان کردند. منع وارد کردن ابزار جنگ در خاک غیر، از مقررات قانون بین‌المللی است، لیک می‌کنند و نامش را نگاهداری تجارت می‌نهند»^۱

تجارتخانه‌ها و دارالتجاره‌های قدیم، در قالبی دیگر همان مناطق آزاد تجاری امروز بودند که مقدمه اجیر نمودن و خرید نیروهای مؤثر در دربارها و اطرافیان سلاطین و حاکمان بود که تاجر خارجی آن‌ها را با نفوذ در بدنه حکومت‌ها هرگونه قرارداد اقتصادی راتحمیل می‌کردند و سپس در پی تغییر فرهنگ، آداب و رسوم این مردم برمی‌آمدند. در حقیقت کارمندان دارالتجاره‌های خارجی نقشی دوگانه ایفا می‌کردند، نقشی در اقتصاد که آشکار بود و نقشی در سیاست که در خفا به آن پرداخته می‌شد.

نظیر این داستان در بسیاری از دیگر کشورهای شرقی نیز رخ داد که تاریخ به خوبی بسیاری از آنها را ثبت نموده است. به این قطعه از تاریخ بنگرید:

«وقتی آوازه افکنند که حاج معین‌التجار بوشهری، در نجف اشرف آهنگ ساختن بیمارستان برای فقرا دارد، ساختمان‌این بیمارستان به قلعه و دژ از جهت استحکام و بلندی دیوارهایش، مانند‌تر بود تا به بیمارستان. بعداً که انگلیسی‌ها با مردم نجف در تبرد بودند، معلوم شد بانی مذکور برای ایشان در نجف سنگر و قلعه‌ای می‌ساخته به نام بیمارستان فقرا و با خود غافل از این معنی بوده»^۲

این واقعه در همه کشورهای خاورمیانه در جریان بوده و ایران نیز



◆◆ شاید در تاریخ سیاسی آمریکا هیچ گاه سردمداران کاخ سفید تا این اندازه خوشحال نشده بودند که باره اندازی نخستین فروشگاه‌های زنجیره‌ای «کی مارت» و «مک دونالد» و راه‌یابی نوشابه‌های گوارای «کوکا کولا» به ویتنام خرسند شدند

از آن مستثنی نبوده است. به این قطعه نیز بنگرید:

«در سال ۱۱۷۷ هجری مطابق با ۱۷۶۹ میلادی اجازه تجارت به کمپانی هند شرقی داده شد. ویلیام آندر و هریس اسکوامیر حاکم ملت انگلیس در خلیج فارس، درخواست تاسیس دارالتجاره را توسط مستر توماس دوران فرد به کریم خان زد. داد. ۱۱ بند را کریم خان منعقد شد و طرف انگلیسی چهار بند را. بند یکم که ایرانی‌ها منعقد شدند این بود: کریم خان به کمپانی انگلیس اجازه می‌دهد که برای ساختن دارالتجاره در بوشهر و سایر بنادر هر قدر زمین لازم دارند بگیرند و برای حفظ دارالتجاره

خود هر قدر توپ لازم دارند در برج آن قرار دهند، مشروط بر آن که توپ‌ها از شش پوند بزرگ‌تر نباشد. علاوه بر معافیت از مالیات دولت ایران وظیفه حفظ و حراست از انگلیسی‌ها را هم باید داشته باشد»^۳

هر چه بود و هست عنصر اقتصاد همواره در همه سرزمین‌ها پیش درآمد حمله‌ها و هجمه‌های فرهنگی و به تبع آن ضربه‌های مهلک سیاسی و نظامی بوده است که غفلت از آن ملت‌ها و توده‌ها را به همان سرانجامی دچار می‌سازد که پیشینیان غافل گرفتار آن شدند و امروزیان در سیطره و تسلط بیگانگان همچنان مانده‌اند و حسرت فرصت‌های پیش را می‌خورند.

از اندلس تا ایران فاصله‌ای است به اندازه هزارها برگ نگاشته شده در تاریخ و تاریخ عبرتی است برای انسان فردا. نباید غافل ماند و از عبرت‌ها فاصله گرفت و گرنه ممکن است در اثر غفلت ما در آینده در نامی آنچنان از ایران اسلامی بر پیشانی تاریخ ندرخشد همان‌گونه که اندلس اسلامی از خاطره‌ها محو شد.

ایران اسلامی دژ مستحکم و نفوذناپذیری در برابر همه کشورهای استعمارگر بوده است و تاکنون هر مهاجم و متجاوز که بر سرزمین غنی و ثروتمند مان در عرصه فکر و هنر و فرهنگ تاخته است، پس از چند دهه در آتشفشان پر حرارت اندیشه اسلامی ایرانی ذوب شده است. این حرارت دینی و اعتقادی تا زمانی است که متفکران و اندیشمندان درد آشنا و عالمان دین، بیدار و هوشیار و فعال و پرتحرک باشند و در بیداری نسل‌ها بکوشند.

سرزمین پرنشاط ما برای متجاوزان دست نیافتنی خواهد بود، تا زمانی که آتشفشان‌های خروشان و پرحرارت عرصه‌های اندیشه و فکر و فرهنگ بیدار و پرتحرک باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. چهره جدید ایران، مهدی جدی‌نیا، صفحه ۴۲، انتشارات نقش جهان هنر.
۲. چهره جدید ایران، مهدی جدی‌نیا، انتشارات نقش جهان هنر.
۳. تاریخ بهارستان، آقا مرتضی مدرس گیلانی، چاپ فرهنگ، صفحه ۴۲۷.
۴. همان، صفحه ۴۴۷.
۵. همان، صفحه ۴۲۱.